

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان :

اندیشه های اقتصادی امام سجاد علیه السلام از منظر آیت الله مکارم شیرازی  
پژوهش ، تهیه و تنظیم ؛

معاونت تحریریه خبر پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له



سامانه جامع محتوای تبلیغی بسته فرهنگی

[www.bastefarhangi.ir](http://www.bastefarhangi.ir)

غایتمندی در اقتصادی ؛ رمز موفقیت و تکامل در زندگی دنیوی و اخروی / اقتصاد و رابطه آن با فلسفه اخلاق / از نفی اقتصاد مسرفانه تا اثبات اقتصاد میانه / تأکید بر استقلال اقتصادی، خوداتکایی و خودکفایی / نمی توان کشور را همزمان با اقتصاد مقاومتی و لیبرالی اداره کرد

بی شک سیطره فکری بر جوامع بشری، خطرناکترین نوع استعمار به شمار می رود که قدرت های غربی در عصر کنونی آن را دنبال می کنند، در این میان دولت های لیبرالی در راستای فراهم آوردن زمینه استعمار فکری و سیاسی، ترجیح [۱] می دهند

بیش از هر چیز روی شاخه اقتصادی آن تکیه کنند. ۱۲.

مهم آنست که ما چشم و گوش خود را باز کنیم فریب آب و رنگ مکتب‌ها، تیترها و شعارهای اقتصادی غرب را نخوریم، و خود را به دام تئوری‌های غربی نیفکنیم. ۱۳.

لذا بهترین خط اقتصادی برای ما و همه ملل آزاده جهان که می‌خواهند مستقل و آزاد زندگی کنند، و زیر سلطه هیچ ابرقدرتی نباشند، همان خط معروف نه شرقی و نه غربی است خطی که ما را به ترک هر گونه وابستگی دعوت می‌کند، خطی که ما را بسوی خودکفائی در تمام زمینه‌ها پیش می‌برد، خلاصه خطی که به ما اجازه می‌دهد خودمان باشیم، و نه بیگانه از خود. [۴] که همان اندیشه اقتصاد اسلامی است؛ اقتصادی که تمام ویژگی‌های پیشرفت حقیقی یک جامعه در آن نمایان است و با بهره‌گیری از آموزه‌های اقتصادی ائمه معصومین علیهم السلام، از هر گونه گرایشی به اقتصاد لیبرالی خالی است. ۱۵.

بر این اساس ضرورت بهره‌گیری از اندیشه‌های اقتصادی ائمه معصومین علیهم السلام به‌ویژه امام سجاد علیه السلام باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد که در صورت تحقق این مهم، مردم به خودآگاهی دست خواهند یافت و جامعه در شرایط سخت و بحرانی، زندگی قابل قبول خواهند داشت. ۱۶.

### غایتمندی در اقتصادی؛ رمز موفقیت و تکامل در زندگی دنیوی و اخروی

جهت‌گیری اقتصاد در دنیای امروز تنها به سوی رفاه مادی و لذائذ جسمانی است و سهم روح و روان انسان، به کلی نادیده گرفته شده است. [۷] لذا اقتصاد در جوامع غربی کاملاً خشک و بی روح است، [۸] چرا که اصل حاکم بر آن منافع مادی است [۹] و معیار در این طرز تفکر درآمد بیشتر با تلاش کمتر است، از هر راهی که مقدور باشد؛ یعنی هر چه سطح درآمد بالاتر و تلاش کمتر باشد مطلوب تر است. [۱۰] لذا هر چیزی که در تعارض و تضاد با آن باشد، فدای منافع مادی می‌گردد. ۱۱.

بر این اساس «اقتصاددانان غربی» نقطه اوج تکامل انسان را وصول به هر چه افزونتر فرآورده‌های صنعتی و اقتصادی می‌دانند. [۱۲] اتفاقاً یکی از علل مهم بی نتیجه ماندن و گرفتار بن بست شدن این مکتب‌های اقتصادی نیز همین است. ۱۳.

ولی بینش اقتصادی اسلام با این مسأله موافق نیست. [۱۴] زیرا اقتصاد از شئون زندگی انسانهاست و ابعادش باید ابعاد وجود انسان باشد، به راستی ما چگونه می‌توانیم انسانی را که وجودش هم بعد مادی دارد و هم بعد معنوی در یک مکتب اقتصادی محصور کنیم که تنها ارزش‌های مادی در آن مطرح است، یقیناً این قبا برای آن قامت نارسا است، و دیر یا زود، اثرات منفی خود را آشکار می‌سازد. ۱۵.

لذا در بینش اقتصادی اسلام نخست هدف و خط سیر این کشتی مشخص شده و به تناسب آن طرح تازه‌ای برای زندگی اقتصادی رهبران و سرنشینان و مسافران کشتی و همچنین محتویات و محموله‌های آن تعیین شده است. ۱۶.

این امر در اندیشه امام سجاد علیه السلام به وضوح قابل مشاهده است؛ آن حضرت در ضمن نیایش‌های خود در این باره میفرماید: «و خلق لهم النهار مبصراً لیتتغوا فیه من فضله، و لیتسبوا الی رزقه، و یسرحوا فی ارضه طلباً لما فیه نیل العاجل من دنیاهم، و درک الآجل فی اخریهم، بکل ذلک یصلح شانهم؛ [۱۷] و خداوند، روز را بینایی بخش قرار داد تا در آن به جستجوی فضل

حق خیزند و به اسباب رزق و روزی او دست یابند و در زمین او در پی سود ناپایدار دنیا و ادراک نفع همیشگی آن جهان به راه

افتند، و بر اثر همه این امور (کار و تلاش و رفتن به دنبال رزق و روزی) کار ایشان را به سامان می آورد» [۱۱۸]

امام زین العابدین علیه السلام در فرازی دیگر فرمود: «کسی که دنیای خویش را به سبب آخرت و یا آخرت خود را به سبب دنیایش

رها کند از ما نیست» [۱۹]، [۱۲۰]

روشن است در این نگاه، امکانات مادی، در خدمت فرد و جامعه، جهت پرورش استعدادها و رسیدن به کمال به کار گرفته شده و

امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه نیز در پرتو اقتصاد سالم و پویا، سامان می یابد. [۱۲۱]

تأمل در مطالب این بخش، بیانگر آن است که اسلام برای فعالیت های اقتصادی، جایگاه ویژه ای قائل است تا جایی که می توان

با تکیه بر قدرت اقتصادی، ضمن تأمین آسایش فردی، به واقعیت جامعه اسلامی و دینی دست یافت، و ساختار آن را بر اساس تقوا

و پرهیزکاری بنا نهاد؛ دنیا را آباد کرد و از گذر آن، سعادت اخروی را تضمین نمود. [۱۲۲]

همان گونه که در قرآن کریم نیز هدایت سرمایه به سمت آخرت سوق داده شده است، لذا می خوانیم: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ

الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْتَغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ [۲۳] و در

آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی

کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد.» [۱۲۴]

حال بر اساس کلام نورانی امام سجاد علیه السلام و نیز آیه شریفه قرآن کریم، در صورتی سرمایه ارزشمند است که در مسیر آخرت

هدایت شود، به تعبیر دیگر، هم نیاز دنیا را برآورده سازد و هم توشه ای برای آخرت باشد. در نتیجه حاکم بر اقتصاد اسلامی، ارزش

های اخلاقی و معنوی است؛ در حالی که اقتصاد مادی فاقد این ارزش هاست و طرفداران این مکتب همه چیز را فدای منافع خود

می پندارند. [۱۲۵]

## اقتصاد و رابطه آن با فلسفه اخلاق

اقتصاد غربی اصل را بر لذت و کام گرفتن از لذائذ مادی نهاده است و اخلاق را در صفات و افعالی می دانند که راه را برای وصول به

لذت هموار سازد. [۲۶] زیرا جوامع غربی اصل را بر منافع شخصی و فردی نهاده اند و حتی جامعه بشری را تا آن اندازه محترم می

شمرند که در مسیر منافع شخصی آنها باشد. [۱۲۷]

اما اسلام داروی این درد جانکاه را همچون سایر آلام بشر ارائه کرده است و آن این که مسائل اقتصادی باید با اصول اخلاقی

آمیخته شود، و اقتصاد منهای اخلاق ممنوع گردد. [۲۸] به همین جهت بسیاری از رفتارهای اقتصادی و کسب ها و معاملات، چون

ضد اخلاق است، باعث گرفتاری مستضعفان است، خون بی گناهان را می ریزد، فقرا را فقیرتر می کند و ... از نظر اسلام ممنوع

است. [۱۲۹]

از این رو امام سجاد، علی بن الحسین علیه السلام در فرازی از خدا می‌خواهد: «وَأَزُو عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحَدِّثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًّا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا» و مالی را که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم، از من دور ساز». [۱۳۰، ۱۳۱]

کلام آن حضرت نشان می‌دهد اقتصاد مطلوب، نه چنان آزاد و رهاست که هر فعالیت اقتصادی که به «سود بیشتر» و «زحمت کمتر» بیانجامد را مجاز بشمرد و با نفی اخلاق به این مهم دست یابد، بلکه توانمندی اقتصادی بر اساس آیه «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» [۳۲] و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن» در گرو اخلاق مداری و خدمت به جامعه است که نه تنها عیب نیست بلکه افتخاری به حساب می‌آید [۱۳۳]

آری اگر نظام حاکم بر اقتصاد جامعه، نظام تقوا و درستی و پاکی و تعاون و همکاری و انفاق باشد بدون شک چنین جامعه‌ای نیرومند و سربلند خواهد شد، اما اگر به عکس نظام استثمار و تقلب و چپاول و تجاوز و فراموش کردن [۳۴] دیگران باشد چنین جامعه‌ای از نظر اقتصادی نیز عقب مانده خواهد بود، و رشته زندگی مادی آنها نیز متلاشی می‌گردد. [۱۳۵، ۱۳۵]

### از نفی اقتصاد مسرفانه تا اثبات اقتصاد میانه

یکی از اصول اقتصاد در دنیای امروز آن است که مصرف‌کنندگان را از طرق مختلف به مصرف بیشتر و حتی روی آوردن به [۳۶] اشیاء و وسایلی که یا ارزش مصرفی ندارد و یا بسیار کم ارزش است، تشویق نمایند. [۱۳۷]

دنیای سرمایه‌داری امروز نه تنها دست مصرف‌کنندگان را برای مصرف بیشتر باز می‌گذارد، بلکه با تبلیغات گسترده، مردم را به اسراف‌گرایی تشویق می‌کند، تا درآمد بیشتری را نصیب خود نماید. [۱۳۸]

اقتصاد لیبرالی، همزمان با تولید سرسام آور، بازارهای مصرف خود را نیز رونق می‌بخشد. [۳۹] لذا از یک سو با تبلیغات گسترده چنان صحنه‌سازی می‌کند که توده‌های مردم باور کنند که این فرآورده‌ها همه جزء ضروریات زندگی است، و حداقل نشانه تمدن و شخصیت است و دلیل بر برا از زندگی و افتخار! [۱۴۰]

از سوی دیگر پول لازم برای خرید این فرآورده‌ها را از طریق وام‌های نزولی در اختیار مصرف‌کنندگان می‌گذارد، آنها هم شاید کَلِّ خوشحال می‌شوند که چنین امکاناتی در اختیارشان گذارده شده. [۱۴۱]

اما نتیجه آن پر کردن خانه‌ها از یک مشت فرآورده‌های ماشینی گران‌قیمت و غالباً غیر ضروری است و سپس یک عمر زندگی اسقاطی! به طوری که سر ماه هر چه بدست می‌آورد باید قسط بپردازد! [۱۴۲]

حال آنکه «اقتصاد» از ریشه «قصد» به معنای میانه‌روی است و اعتدال در هر چیزی را شامل می‌شود. [۴۳] در این بین میانه‌روی در مصرف، از بایسته‌های مصرف و مورد تأکید اسلام است. میانه‌روی، خواه در مصرف خوراک و پوشاک و مانند آن و خواه در

هزینه های جاری دیگر توصیه شده است. درباره میانه روی و اعتدال در مصرف، در احادیث فراوانی تعبیرات زنده ای دیده می شود که نشان می دهد پایه اقتصاد سالم، بر اعتدال در مصرف نهاده شده است. [۱۴۴]

از نمودهای میانه روی در مصرف، اجتناب از اسراف و تبذیر است. در اسلام از ریخت و پاش و زیاده روی در مصرف شدیداً نکوهش شده است [۴۵] از جمله کلام نورانی امام سجاد علیه السلام که در فرازی فرمود: «انَّ قَسْوَةَ الْبَطْنَةِ وَ قَتْرَ الْمَيْلَةِ وَ سَكْرَ الشَّبَعِ، وَ عِزَّةَ الْمَلِكِ مِمَّا يُبْطُ وَ يَبْطِي عَنِ الْعَمَلِ وَ يَنْسِي الذِّكْرَ وَ يُلْهِي عَنِ اقْتِرَابِ الْاَجَلِ حَتَّى كَانَّ الْمُبْتَلَى بِحُبِّ الدُّنْيَا بِه خَبْلٌ مِنْ سَكْرِ الشَّرَابِ؛ سنگدلی حاصل از شکم پرستی و پرخوری، سستی میل (به دنیا) و مستی سیری و غرور حاکمیت، از اموری است که انسان را از عمل باز می دارد و یاد خدا را به فراموشی می سپرد و او را از فکر نزدیک شدن اجل، غافل می کند تا آنجا که گویی گرفتار حب دنیا، مست شراب است.» [۱۴۶، ۱۴۷]

در فرازی دیگر از آن حضرت می خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ احْجِنِي عَنِ السَّرَفِ وَ الْاِزْدِيَادِ، وَ قَوْمِنِي بِالْبَدَلِ وَ الْاِقْتِصَادِ، وَ عِلْمِنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَ اَقْبِضْنِي بِطُفْكِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ؛ بارخدا یا بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از اسراف و زیاده خواهی بازدار، و به بخشش و انتخاب میانه روی سامان ده، و اندازه نگاه داشتن نیکو را به من بیاموز، و مرا به لطف خود از ولخرجی حفظ کن.» [۱۴۸، ۱۴۹]

بی شک کلام آن حضرت ناظر بر مبنای خدامالکی «المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع؛ [۵۰] مال، مال خداوند است و آن را به امانت نزد شخص متمکن سپرده است» است لذا انسان در می یابد که اگر بخواهد حق این امانت را آن گونه که شایسته است بجا آورد باید به اندازه نیاز و با رعایت اقتصاد و اعتدال مصرف کند و باقیمانده را برای رفع نیازمندی های جامعه و مستمندان هزینه نماید. ۱۵۱.

بسیارند کسانی که بر اثر اسراف و تبذیر اموال خود را از دست می دهند و نیازمند به دیگران می شوند و عزت و حیثیت خود را بر سر آن می نهند. هر گاه انسان، اعتدال و اقتصاد را در زندگی از دست ندهد نیازمند به دیگران نخواهد شد بنابراین توصیه های امام سجاد علیه السلام هرگز به معنای دعوت به بخل نیست بلکه به معنای دعوت به میانه روی و اعتدال و ترک اسراف و تبذیر است. ۱۵۲.

با توجه به محدودیت منابع جهان و افزایش تدریجی نسل بشر، با الهام از دستورات یاد شده و رعایت اقتصاد و میانه روی در مصرف، می توان همگان را از مواهب طبیعی عالم بهره مند کرد و نسل های آینده را نیز از فقر و نیازمندی نجات بخشید. ۱۵۳.

در واقع اسراف در مصرف، نوعی ناسپاسی است، همان گونه که شیطان به الطاف خداوند ناسپاس بود، مسرفان و مبدران نیز با ریخت و پاش و تباه کردن اموال، نعمت های الهی را ناسپاسی می کنند. ۱۵۴.

**تأکید بر استقلال اقتصادی، خوداتکایی و خودکفایی**

جهان سرمایه داری با تمام قوا می کوشد ملت های مستضعف را «برده اقتصادی» خود سازد، و این وابستگی اقتصادی را نسبت به خودش مستحکم سازد. ۱۵۵.ا

حال آنکه نخستین شرط استقلال یک کشور، استقلال اقتصادی است [۵۶] لذا جوامع اسلامی باید بکوشند هر چه بیشتر، غنی و بی نیاز گردند، به مرحله خود کفائی برسند و روی پای خود بایستند و شرف و عزت و استقلال خود را بر اثر فقر، فدای وابستگی به دیگران نکنند و بدانند خط اصیل اسلام این است. [۵۷]، [۵۸] آنچنان که امام سجاد علیه السلام به آن تصریح کرده و می فرماید: «پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا به قدرت و توانایی خود از زیان بندگان دور ساز و به بخشش خود از دیگران بی نیاز ساز» [۱۵۹، ۱۶۰]

آن حضرت در فرازی دیگر می فرماید: «مرا در درگاهت خوار و در نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان و چون با تو خلوت کرده تنها به سر برم فروتن و در میان بندگان بلندمرتبه و سرفرازم نما و از کسی که از من بی نیاز است بی نیازم ساز» [۱۶۱، ۱۶۲]

هم چنین امام سجاد علیه السلام در کلامی دیگر به صراحت فرمود: «دوست ندارم که با ذلت نفس به ارزنده ترین سرمایه ها و ثروت ها دست یابم.» [۶۳] به تعبیر آن حضرت «دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، سبب ذلت و خواری در زندگی و در معاشرت خواهد بود. و نیز موجب از بین رفتن حیا و کاهش وقار خواهد گشت. و همین خود فقر بالفعل است که گریبان گیر شخص شده و اما کم بودن نیازمندی ها از مردم خود غنا و توانمندی بالفعل است که شخص به آن آراسته است.» [۱۶۴، ۱۶۵]

دلیل بیان نورانی آن حضرت نیز روشن است، زیرا ائمه معصومین علیهم السلام خواهان عزت و استقلال جامعه اسلامی اند، و بنابر اصل محکم نفی سبیل: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» [۶۶] و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. «هرگونه تسلط بیگانه و وابستگی به آنان را مردود می دانند، لذا طبیعی است که، تولید انواع فرآورده های مادی و فیزیکی از یک طرف و تربیت نیروهای متخصص انسانی و مجهز شدن به آخرین دستاوردهای علمی بشر از سوی دیگر، در سرلوحه آموزه های دینی این آیین آسمانی قرار گیرد. ۱۶۷.ا

با این تفاسیر همه مسلمانان جهان باید آستین بالازنند، همه قشرها باید برای تداوم حرکت انقلابی به این پیکار بزرگ بپردازند. در غیر این صورت چنان ضربه ای بر پایه های استقلال اقتصادی ما وارد خواهد شد که جبران آن میسر نیست. ۱۶۸.ا

### سخن آخر: (نمی توان کشور را همزمان با اقتصاد مقاومتی و لیبرالی اداره کرد)

در خاتمه باید تأکید کرد نمی توان هم فرهنگ بیگانگان را پذیرفت و در عمل برخی نظریات اقتصاد لیبرالی را در جامعه گسترش داد و از سوی دیگر هم توقع اجرای کامل برنامه های اقتصاد مقاومتی را داشت. بلکه باید برای اجرای فضا سازی مورد نظر مقام معظم رهبری در تحقق اقتصاد مقاومتی باید تغییرات ساختاری انجام گیرد، تا جامعه اسلامی به سهولت، اقتصاد مقاومتی را پذیرا شود؛ همان گونه که تحقق اخلاق اسلامی، سیاست و دولت اسلامی، خانواده مورد نظر اسلام و مانند آن نیز با پذیرش فرهنگ های بیگانه سخت دشوار و گاه ناممکن است. ۱۶۹.ا

## پی نوشت ها

۱۱ | خطوط اقتصاد اسلامی ؛ ص ۷.

۲۱ | همان؛ ص ۸.

۳۱ | همان.

۴۱ | همان.

۵۱ | همان

۶۱ | متن پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به همایش اقتصاد مقاومتی و مقاوم‌سازی فرهنگی در سبک زندگی امام سجاد علیه السلام؛ ۱۳۹۷/۲/۱۷.

۷۱ | دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج ۲ ؛ ص ۱۲۰.

۸۱ | اربا و بانکداری اسلامی ؛ ص ۴۱.

۹۱ | امثالهای زیبای قرآن، ج ۱، ص: ۱۵۸.

۱۰۱ | اربا و بانکداری اسلامی ؛ ص ۴۱.

۱۱۱ | امثالهای زیبای قرآن، ج ۱، ص: ۱۵۸.

۱۲۱ | خطوط اقتصاد اسلامی ؛ ص ۱۶.

۱۳۱ | همان ؛ ص ۱۲۴.

۱۴۱ | همان؛ ص ۱۶.

۱۵۱ | همان؛ ص ۱۲۴.

۱۶۱ | همان؛ ص ۱۸.

۱۷۱ | اصحیفة سجادیة؛ دعای ۶.

۱۸۱ | تفسیر نمونه ؛ ج ۲۶ ؛ ص ۳۳۱.

۱۹۱|صحیفه سجادیه؛ دعای ۳.

۲۰۱|تفسیر نمونه؛ ج ۲۶؛ ص ۳۳۱.

۲۱۱|دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۴۵.

۲۲۱|همان.

۲۳۱|سوره قصص؛ آیه ۷۷.

۲۴۱|مثالهای زیبای قرآن؛ ج ۱؛ ص ۱۶۰.

۲۵۱|همان.

۲۶۱|اخلاق در قرآن؛ ج ۱؛ ص ۶۳.

۲۷۱|همان.

۲۸۱|از تو سوال می کنند(مجموعه سوالات قرآنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)؛ ص ۱۷۴.

۲۹۱|اربا و بانکداری اسلامی؛ ص ۴۲.

۳۰۱|صحیفه سجادیه؛ دعای ۳۰.

۳۱۱|دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۱۸.

۳۲۱|سوره قصص؛ آیه ۷۷.

۳۳۱|دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۱۹.

۳۴۱|تفسیر نمونه؛ ج ۱۱؛ ص ۳۱۷.

۳۵۱|همان؛ ص ۳۱۸.

۳۶۱|دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۳۸۱.

۳۷۱|همان؛ ص ۳۸۲.



۳۸۱|همان؛ص ۳۸۱.

۳۹۱|خطوط اقتصاد اسلامی ؛ ص ۱۳۵.

۴۰۱|همان.

۴۱۱|همان.

۴۲۱|همان.

۴۳۱|پیام امام امیر المومنین علیه السلام ؛ ج ۷ ؛ ص ۵۳۵.

۴۴۱|دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۸۰.

۴۵۱|همان؛ص ۳۸۱.

۴۶۱|تحف العقول؛ کلمات امام سجاد علیه السلام «ومن کلامه علیه السلام فی الزهد»؛ص ۳۱۱.

۴۷۱|اخلاق در قرآن ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۳۹.

۴۸۱|اصحیفه سجادیه؛ دعای ۳۰.

۴۹۱|دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۸۰.

۵۰۱|سفینه البحار؛ص ۳۶۵.

۵۱۱|دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج ۲ ؛ ص ۱۱۵.

۵۲۱|پیام امام امیر المومنین علیه السلام ؛ ج ۹ ؛ ص ۶۳۲.

۵۳۱|دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۸۱.

۵۴۱|همان؛ ص ۳۸۲.

۵۵۱|خطوط اقتصاد اسلامی ؛ ص ۸.

۵۶۱|خمس پشتوانه بیت المال، ص ۱۷.

۵۷۱|تفسیر نمونه؛ ج ۱۶؛ ص ۱۷۴.

۵۸۱|یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ؛ ص ۳۶۸.

۵۹۱|مستدرک الوسایل؛ ج ۵؛ ص ۵۳۳.

۶۰۱|یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ؛ ص ۳۶۹.

۶۱۱|مستدرک الوسایل؛ ج ۵؛ ص ۵۳۴.

۶۲۱|یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ؛ ص ۳۶۹.

۶۳۱|مستدرک الوسایل؛ ج ۲؛ ص ۳۶۴.

۶۴۱|تحف العقول؛ ص ۲۱۰.

۶۵۱|خطوط اقتصاد اسلامی؛ ص ۳۲.

۶۶۱|سورة نساء؛ آیه ۱۴۱.

۶۷۱|دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۳۲۱.

۶۸۱|خطوط اقتصاد اسلامی؛ ص ۳۲.

[۶۹] دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۵۰۶.

منبع : دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی [makarem.ir](http://makarem.ir)